

۷ دی سالگرد تأسیس نهاد پیشرفت انقلاب « نهضت سواد آموزی »

نهضت ادامه دارد

به بن بست نخواهیم رسید... کتاب «نهضت ادامه دارد»؛ توسط انتشارات راه یار در ۱۱ فصل و بر اساس خط سیر زندگی یک آموز شیراز از ابتدای ورود به نهضت تا دشواری‌هایی که در مسیر آرمان‌های سوادآموزی پشت سر گذاشته، خاطرات بانوان آموز شیراز نهضت سوادآموزی خراسان را به قلم مریم استادی روایت کرده است.

بخشی از کتاب:

«... هر روز با دلهره می‌آمد کلاس و از همه زودتر بلند می‌شد. قاچاقی می‌آمد. می‌گفت: «خانوم جان، من برم که الان شوهرم بیاد بینه نیستم بر رخ می‌شه ها.» تند تند سر مشق برایش می‌نوشتیم و می‌گفتم: «بیا. مشق‌ها ت رو بگیر زود برو. فقط یه چیزی: دفترها ت رو کجا می‌ذاری شوهرت نبینه؟»

لای رختخواب‌ها قایم می‌کنم خانوم!

دوره تمام شده بود که به ذهنم رسید خانم‌ها اولین نامه را برای همسرشان بنویسند. اولین نفری هم که کمکش کردم یک نامه عاشقانه بنویسد، همین خانم بود. روز بعد، روز خدا حافظی موقت بود تا شروع دوره بعدی. آن روز آن خانم همیشه مضطرب، بالب خندان و جعبه شیرینی آمد کلاس.

خانوم، نمی‌دونن چی شد. شوهرم نامه رو که خوند به گریه افتاد. گفت: «باورم نمی‌شه. یعنی تو الان می‌تونی بنویسی؟ این رو خودت نوشتی؟» گفتم: «آره.» تا ندید باور نکرد. شروع کرده گفتن کلمات. این رو بنویس. اون رو بنویس. من هم هر چی گفت نوشتم. چون ندیده بود بیام کلاس، مونده بود حیرون که چطوری یاد گرفتم؟ بعدش هم از خوش حالی یه جعبه شیرینی خرید، داد دستم بیارم برای شما.»

سوادآموزی صرف باشد. بلکه در تمام عرصه‌هایی که به حضورش نیاز بود، وارد شد تا فرهنگ و وابسته کشورمان را به فرهنگ خود کفا تبدیل کند. برای همین، هم درس داشت، هم درو، هم بهداشت و همراه سازی. نهضت، زندگی در حال قیام بود، آمیخته با اخلاص، ایثار، جهاد و خلاقیت. این بود که توانست از تمام ظرفیت‌های فرهنگی و هنری مردم استفاده کند و معنویتی مبتنی بر اسلام و انقلاب ایجاد کند. انقلابی بودن مردم و اعتمادی که امام به پای کار بود نشان داشت سبب شد تا ملت، بدون آنکه معطل اقدامی از سوی دولت بمانند، وارد عمل شوند و همین، رمز موفقیت نهضت بود. هر کس هر کار که از دستش برمی‌آمد انجام داد. توی خانه شخصی، مدرسه یا مسجد، سوادآموزی انجام شد.

قبل از انقلاب طرح‌هایی به اسم سپاه دانش و پیکار با بی سوادی داشتیم که اقداماتی انجام دادند؛ اما چون با عقاید مردم همخوانی نداشت، مردم همراهش نشدند و توفیقی هم نداشت. اما آن‌ها که به پیام امام لبیک گفتند و برای محقق شدن اهداف نهضت سوادآموزی، تا صعب‌العبورترین روستاها پیش رفتند، جز خدمت به مردم و انقلاب هدفی نداشتند. سفیران انقلاب بودند بین محرومین، تاراه چگونه زندگی کردن را نشان دهند و حتی در پیمودن این راه با مردم همراه شدند. نهضت سوادآموزی دهه ۶۰ می‌گوید، هر جا ظرفیت‌های ملت دیده شود و مردم پای کار بیایند، هرگاه با واقعیت همراه شویم و به داشته‌هایمان تکیه کنیم و اگر به قدرت باورها و کار برای خدا ایمان داشته باشیم، با پشتکاری که مردم نشان داده‌اند، برای حل مشکلات،

بعد از پیروزی انقلاب، امام با هدف تثبیت آرمان‌های قیام، فرمان تشکیل نهادهای انقلابی را دادند و آرمان‌هدایت و آگاهی مردم، جز با سوادآموزی محقق نمی‌شد. امام این نیاز ملت را به خوبی شناسایی کرد. به همین خاطر سوادآموزی را مهم‌تر از بهداشت و مسکن دانست. طی سال‌های حکومت پهلوی، این نیاز نادیده گرفته شد تا مردم از آنچه بر سرشان می‌رود بی‌خبر باشند و وابسته به فرهنگ بیگانه باقی بمانند. آگاهی مردم و استقلال فرهنگی، راهی نداشت جز توانایی خواندن و نوشتن و زمانی که این اتفاق افتاد چه بسیار استعدادهایی که کشف شدند و چه بسیار شدن زندگی‌هایی که رنگ و سبک اسلام ناب محمدی به خود گرفت. قرار نبود نهضت،

